

برای احمد تو کلی



وحید عظیم‌نیا دبیر گروه اقتصادی

سیاست‌ورزان گاه در گرداب شعار و منفعت‌طلبی غرق می‌شوند، اما چهره‌هایی ی‌بادآور آن سوی دیگر سکه‌اند؛ سوی ایستادگی بر اصول، گفتن سخن حق ولو تلخ و دلسوزی برای مردم بی‌پشت و پناه و دالان‌های بی‌انتها و تاریک قدرت و ثروت. مرحوم احمد توکلی یکی از همان‌ها بود که می‌دانست در دنیای ناپایدار قدرت، آنچه باقی می‌ماند نه عنوان و منصب که حاصل عملکرد و نیت خالصانه‌است و همین‌است که پس از سال‌ها فعالیت در بالاترین سطوح حکمرانی، امروز از او به‌عنوان یک «عدالتخواه فسادستیز» یاد می‌شود، نه یک مقام سابق دولتی یا نماینده‌ای پیشین.

تو کلی نه تکنوکرات کلاسیک بود، نه اصلاح‌طلب لیبرال، نه اصولگرای امنیت‌محور. موقعیتش در تقسیم‌بندی‌های رایج سیاسی همیشه متمایز بود: اقتصاددانی عدالت‌گرا، گرایش با سابقه انقلابی و منتقدی سرسخت درون‌ساختاری. آنچه همه این نقش‌ها را به هم پیوند می‌داد، گرایش ریشه‌دارش به عدالت بود، نه عدالت در حد شعار، عدالت به‌مثابه یک سازوکار روشن در سیاستگذاری اقتصادی. وقتی از خصوصی‌سازی حرف می‌زد، با همان دقتی حرف می‌زد که یک حسابرس باید بزند. واگذاری‌ها را فقط روی کاغذ نگاه نمی‌کرد، به پشت پرده‌ها، به ترکیب مدیران، به من‌ب‌بخش‌ها و به‌بی‌عدالتی نهفته در آنها حساس بود. از واگذاری بی‌ضابطه کارخانه‌ها به نزدیکان قدرت نوشت و گفت

این‌ها خصوصی‌سازی نیست، تاراج‌است.

بخشی از شجاعت توکلی در همین بود که در برابر مسیرهای انحرافی و غلط، بی‌تعارف می‌ایستاد. نقد او به معنای عیوس بودن یا تخریب کشور نبود. نوع نگاهش به مقوله اقتصاد، هم در نسبت با قدرت و هم در نسبت با مردم، رویکردی ریشه‌دار و مبتنی بر تجربه بود. بر خلاف بسیاری که با یک نشریه یا اتاق فکر اقتصادی، نسخه‌های تکراری تجویز می‌کردند، او دل میدان آمده بود. او اقتصاد را فقط از منظر تئوریک نمی‌فهمید، بلکه اقتصاد را در ارتباط مستقیم با سفره مردم، با معیشت طبقات فرودست و با عدالت نهادهی تحلیل می‌کرد. مهم‌تر از آن، او معتقد بود که بدون اصلاح ساختار حکمرانی، عدالت اقتصادی ممکن نیست، یعنی فقط با تصمیمات مقطعی یا تزریق پول نمی‌توان نابرابری را درمان کرد. ساختار‌ها باید شفاف، پاسخگو و قانونمند شوند.

در زمانی که بازار آزاد برای برخی‌ها تنها نسخه درمان شده بود، او می‌گفت دولت باید آن جایی که انحصار هست، مسئولیت بپذیرد. گفته بود دولت نباید مقب‌نشیند، باید بتواند بازار را مدیریت کند. او اقتصاددان دولت‌محور نبود، اما معتقد بود در کشوری با ساختار فُلی، بدون دخالت سنجیده دولت، عدالت از میان می‌رود. عدالت در قیمت‌گذاری، در توزیع منابع، در شفاف‌سازی، در موهاب رانست و از همه مهم‌تر، نگاهش از بیرون نبود. توکلی به شعار می‌گفت که دولت‌ها باید نقش باز‌توزیعی داشته باشند. عدالت برای او به معنای «برابری در فرصت‌ها و برخورداری‌ها» بود، نه صرفاً پارانهِ نقدی یا حمایت مقطعی. او با جسارت اعلام کرد که افراد پردرآمد نباید پارانهِ بگیرند، چراکه این هدر دادن منابع ملی است. این نوع نگاه، نه از سر ریاضت اقتصادی، بلکه برخاسته از باوری عمیق به عدالت اجتماعی بود.

تو کلی وقتی از پارانهِ‌ها باز ترجیحی حرف می‌زد، مثل کسی حرف می‌رد که دغدغه‌اش فقط بودجه و ترانزافه نیست، بلکه «حق مردم است، حق برخورداری، حق دانستن و حق شکایت از سیاست‌هایی که عدالت را له می‌کنند. در مجلس، در تلوپزیون و در صفحات روزنامه‌ها، سخنان توکلی همیشه قابل فهم و بی‌پیرایه بود. نه از کلمات سنگین اقتصادی استفاده می‌کرد و نه از تعارف‌های سیاسی هر سوس. وقتی درباره واگذاری اموال بیت‌المال یا بلای مؤسسه‌های به‌اصطلاح مالی صحبت می‌کرد، جلاش‌ش بوی درد می‌داد، نه گزارش رسمی؛ او بی‌کلف، شفاف و مهم‌تر از همه، از درون.

با تدفیع اصلاح‌ساختار بود، نه با جیب و فریاد، نه‌با تیرهای جنجالی، بلکه با سند. دیده‌بان شفافیت و عدالت را راه انداخت، نه برای کسب محبوبیت، بلکه برای اینکه اسناد فساد کم نشود. یادداشت‌های دقیقش درباره رانت‌های پنهان، درباره واگذاری‌هایی که بوی رفاقت می‌دادند نه رقابت، درباره مؤسسات مالی غیرمجاز، همه و همه نشانه‌هایی است از اینکه دغدغه‌اش نقد نبود، بلکه اصلاح بود. او ساختار را به‌خوبی می‌شناخت و نقدش برای تخریب نبود. توکلی بخشی از نظام بود و همین جایگاه، نقدهایش را جدی‌تر می‌کرد. نمی‌خواست تخریب کند، می‌خواست اصلاح کند. اگر هم جایی صدایش بالا رفت، از سر خشم شخصی نبود، از سر دغدغه بود.

او بر خلاف بسیاری که عدالت را در حد یک واژه مقدس حفظ می‌کنند ولی آن را به مسلخ سیاست می‌برند، تلاش کرد عدالت را به عرصه اجرا بیاورد. تلاش کرد نشان دهد عدالت نه فقط در سخن که در رفتار قانونگذار و مجری باید جاری باشد و شاید به همین دلیل است که امروز، در وصف او کمتر از عنوان‌های سیاسی‌اش سخن می‌گویند و بیشتر از مسیری که رفت، مسیری برای احقاق حق ضعیف، برای کنترل قدرت و برای اصلاح ساختار.

هیچ‌کس بی‌خطا نیست. توکلی هم بی‌تردید تصمیماتی داشت که می‌توان از آنها انتقاد کرد، اما آنچه بر جسته بود، این بود که در میدان ماند، اصلاح را از درون خواست و بر خلاف موج‌هایی که می‌آمد و می‌رفت، اصل عدالت را رها نکرد. وقتی دیگران در سکوت یا مصالحه فروزفتند، او ادامه داد. نه با هیاهو، نه با خودنمایی، بلکه با سماجت دغدغه‌مندانه.

تو کلی اگرچه اقتصاددان بود، اما اقتصاد را نه از جنب نمودار و فرمول که‌از دریچه عدالت می‌فهمید. در روزگاری که بسیاری اسیر چارچوب‌های لیبرال یا وابسته به نگاه‌های صرفاً بازارمحور بودند، او بر نقش دولت در تأمین عدالت و مهار رانت پافشاری می‌کرد. می‌گفت نمی‌توان در کشوری با نابرابری گسترده، از بازار آزاد نسخه نجات ساخت، آن هم بازاری که خود در چنبره انحصار و رانت دست‌وپا می‌زند. تلاش داشت اقتصاد از قید روابط ناسالم رها شود و به مسیر منطقی، شفاف و مردمی بر گردد. نگاه او به دولت، مسئولانه و مشروط بود: دولتی پاسخگو، توزیع‌گر عدالت، حافظ بیت‌المال. از اقتصاد رانتی و شبه‌خصوصی‌سازی بیزار بود و آن‌را خیانت به عدالت می‌دانست. او نشان داد می‌توان اقتصاددان بود و همزمان دغدغه فقرا را داشت، می‌توان از اصلاح ساختار گفت بی‌آنکه در دام شعار افتاد.

با شنیدن خبر مرحوم احمد توکلی به هشت سال پیش برگشتم، اوایل مجلس دهم که به زعم من جای افرادی مثل احمد توکلی، خالی بود- هنوز هم متعقدم ردای و کالت به تن خیلی از نمایندگان آن مجلس زار می‌زد- پیامکی به آقای توکلی فرستادم و پاسخ آمد: «تو لک الایام نداولها بَینَ النّاس»...و ما این روزهای پیروزی و شکست را در میان مردم می‌گردانیم (و این خاصیت زندگی دنیاست)، بخشی از آیه ۱۴۰ سوره مبار که آل عمران. احتمالاً حضرت حافظ با استناد به همین آیه گفته است: دور گردون در گو روزی بر مراد ما نرفت/ دالمّا یکسان نباشد حال دوران غم/مخور/هان مشو نومید، چون واقف نه‌ای از سر غیب/ باشد اندر پرده بازی‌های پنهان غم مخور.



گزارش یک هادی اسماعیلی

با تشکیل کمیته‌ای در شورای عالی مسکن صورت گرفت

آغاز فرایند تکمیل و ساخت واحدهای مسکن حمایتی

شورای عالی مسکن، تدوین برنامه‌ای جامع برای تأمین مالی، تکمیل و تحویل واحدهای مسکن حمایتی و مهر طی یک ماه آینده را کلید زده است و بانک‌ها، وزارتخانه‌ها و سازمان برنامه‌بودجه موظف به همکاری شده‌اند



رفاه‌نیشیری | جوان

خانه‌دار شدن در ایران امروز، تقریباً به آرزویی دور از دسترس برای میلیون‌ها نفر تبدیل شده است. قیمت‌های سرسام‌آور، اجاره‌های افسارگسیخته و نبود عرصه کافی، خواب را ح‌ت را از چشم بسیاری ربوده است. در این شرایط، دولت چهاردهم بازم و عهده می‌دهد یکی از محوری‌ترین اولویت‌های خود را تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد، به‌ویژه ساکنان روستاها و دهک‌های پایین در آمدی قرار دهد.

■ ■ ■

تهران، اهواز، زاهدان یا کرمانشاه فرق نمی‌کند، خیابان‌ها هستند که در آن، پنجره خانه‌ها‌نه نور امید که غبار ناامیدی را بازتاب می‌دهند. خانواده‌هایی که سال‌هاست پشت درهای بسته وعده‌های مسکن مهر یا طرح‌های حمایتی چشم‌پره‌دار مانده‌اند، امروز بیش از همیشه نیازمند پاسخ هستند چرا که برای بسیاری، اجاره‌خانه دیگر ممکن نیست، خرید خانه که هیچ. بیش از ۱۴۰هزار خانوار هنوز واحدهایی را که سال‌ها پیش وعده داده شده بود، تحویل نگرفته‌اند و این، تنها بخشی از بحران است. سه عامل اصلی می‌توان برای بحرانی شدن بازار مسکن ایران بر شمرد:

– فاصله میان عرضه و تقاضا: هر ساله بیش از یک‌میلیون خانوار جدید نیاز به مسکن دارند، اما در بهترین حالت، سالانه کمتر از ۳۵۰هزار واحد جدید ساخته می‌شود.
– افزایش بی‌ضابطه قیمت مصالح و زمین: افزایش نرخ ارز، کاهش تولید داخلی و سوداگری در بازار زمین باعث شده است هزینه ساخت، به‌شدت بالا رود.
– فقدان سیستم مؤثر در تأمین مالی مسکن: تسهیلات بانکی ناکارآمد، سودهای بالا و اقباط مسکن، عملاً بسیاری از خانوارها را از چرخه خرید خارج کرده است.

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در بیست‌ویکمین جلسه شورای عالی مسکن اظهار کرد: «با وجود تمامی تلاش‌ها حدود ۱۴۰هزار نفر از متقاضیان مسکن مهر و سایر مسکن‌های حمایتی نتوانستند مسکن خود را تحویل بگیرند.» وی با اشاره به تعهد ساخت ۸۴۰هزار واحد مسکن حمایتی و ۱۲۰هزار واحد مسکن مهر افزود: «در زمینه ساخت این واحدهای مسکنی به موانع تسهیلاتی و اجرایی در طول سالیان و دهه‌های گذشته برخورد کرده‌ایم که باید طی یک ماه آینده طرح جامع حمایت جدی برای تکمیل و ساخت این واحدها تهیه و تدوین شود تا از طریق تسهیلات و اختیاراتی که قانونگذار در اختیار قرار داده است، بتوانیم رونقی در این بخش داشته باشیم.»

عارف تصریح کرد: «سهم مهمی از در آمد بخش‌هایی از احاد جامعه صرف اجاره مسکن می‌شود، اگر دولت دخالت نکند و تسهیلات قائل نشود، عملاً خرید مسکن برای این بخش‌ها غیرممکن است که امیدواریم با پیگیری‌های لازم در زمینه مسکن چهار دهک پایینی جامعه قدم‌های بزرگی برداریم.»

معاون اول رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه تعهدات دولت‌ها در ساخت مسکن‌های حمایتی به‌ویژه برای اقشار آسیب‌پذیر، تعهد نظام‌است و «حق هیچ‌گونه تعللی در این زمینه نداریم، افزود: «باید مسکن‌های حمایتی و تعهدات دولت‌ها در این بخش هر چه سریع‌تر تکمیل و در اختیار متقاضیان قرار گیرد و با کمک دولت و نهادهای عمومی مسکن مناسب برای مردم آماده شود.» عارف گفت: «رونق بخش مسکن به رونق اقتصادی و فعال شدن صنعت و اشتغال‌زایی منجر می‌شود که با توجه به شمار سال، ساخت مسکن یکی از بخش‌های مهم تولیدی کشور است که در این راستا جلسات شورای عالی

سرویس اقتصادی۹۰۶۰۸۵۲۳۰ | روزنامه جوان | شماره ۲۴۶۰ | پنج‌شنبه ۲ مرداد ۱۴۰۴ | ۲۸ محرم ۱۴۴۷

با تشکیل کمیته‌ای در شورای عالی مسکن صورت گرفت

آغاز فرایند تکمیل و ساخت واحدهای مسکن حمایتی

شورای عالی مسکن، تدوین برنامه‌ای جامع برای تأمین مالی، تکمیل و تحویل واحدهای مسکن حمایتی و مهر طی یک ماه آینده را کلید زده است و بانک‌ها، وزارتخانه‌ها و سازمان برنامه‌بودجه موظف به همکاری شده‌اند

دولت چهاردهم بارها تأکید کرده که هدف، خانه‌دار کردن چهار دهک پایین جامعه است، این یعنی تمرکز بر خانوارهایی که دیگر حتی توان اجاره دادن هم ندارند. سؤال کلیدی مردم این است که آیا این بار هم با انبوهی از وعده‌ها روبه‌رو هستیم یا قرار است تغییری واقعی رخ دهد؟ پاسخ این سؤال را نه سخنرانی‌ها، بلکه عملکرد یک‌ماهه پیش‌رو و گزارش‌های فصلی از پیشرفت پروژه‌ها خواهد داد.

در همین جلسه تأکید شد که «جلسات شورای عالی مسکن باید منظم برگزار شود» تا پروژه‌ها از مسیر خارج نشوند.

اگر این گفته‌ها به تصمیم‌های اجرایی ترجمه شوند، شاید برای نخستین بار در یک دهه اخیر، شاهد تحول واقعی در بازار مسکن باشیم.

فرصت‌ها و تهدیدها در افق مسکن

اگر چه وضعیت مسکن در سال‌های اخیر چهره‌ای بحرانی به خود گرفته است، اما اکنون با آغاز به کار دولت چهاردهم و بازتعریف سیاست‌های حمایتی، فرصتی طلایی برای اصلاح مسیر شکل گرفته است؛ فرصتی که البته در کنار خود تهدیدهایی نیز دار.

یکی از این فرصت‌ها، بازنگری در شیوه‌های تأمین مالی پروژه‌های مسکن است. در بسیاری از کشورها، مدل‌های متنوعی چون صندوق‌های

زمین و ساختمان، مشارکت بخش خصوصی و ابزارهای مالیاتی برای جذب سرمایه‌گذار خرد به کار گرفته می‌شود. ایران نیز می‌تواند با تکیه بر تجربه‌های موفق بین‌المللی، سازوکارهای نوینی طراحی کند تا موانع مالی از کانال‌هایی غیر از بودجه دولتی تأمین شوند.

از سوی دیگر، توسعه فناوری ساخت نیز باید مورد توجه قرار گیرد. استفاده از مصالح نوین، تکنولوژی‌های ساخت سریع و سازگار با محیط زیست و کاهش هزینه‌های جانی، می‌تواند سرعت اجرای پروژه‌ها را افزایش دهد و هزینه‌ها را کنترل کند. در این میان، حمایت از استارت‌آپ‌های ساختمانی و شرکت‌های دانش‌بنیان، می‌تواند بخشی از پازل تحول در حوزه مسکن باشد. اما تهدید اصلی، فرسودگی نظام تصمیم‌گیری و مدیریت پروژه‌هاست؛

پروژه‌هایی که سال‌ها نیمه‌تمام مانده‌اند، نشان می‌دهند نبود شفافیت، عدم پاسخگویی و ضعف نظارت می‌تواند حتی بهترین برنامه‌ها را به شکست بکشاند، بنابراین دولت باید علاوه بر سرمایه‌گذاری مالی، روی بازسازی ساختار اجرایی و مدیریتی خود نیز تمرکز کند.

گسترش شهرهای جدید، تقویت حمل‌ونقل عمومی برای اتصال حاشیه به مرکز، واگذاری زمین با کاربری مشخص و محدودیت فروش در بازار آزاد و نقشه‌برداری شفاف از نیاز واقعی هر استان و شهرستان، از جمله اقداماتی است که اگر با دید فنی و عدالت‌محور دنبال شود، می‌تواند تحولی پایدار در بازار مسکن پدید آورد. بازار مسکن، نه فقط بازاری اقتصادی است که حسنه‌ای اجتماعی، فرهنگی و حتی روانی است، راهی دیوار خنای که بالا می‌رود، دیواری از اضطراب فرو می‌ریزد و هر سقف مطمئنی که فراهم می‌شود، تکیه‌گاهی است برای فرزندی که می‌خواهد آینده‌اش را در همین خاک بسازد.

سایپا با نادیده‌گرفتن تعهدات معوق، فروش را از سر گرفت

سایپا در جاده تعهدات ترمز برید!

سایپا در حالی که هنوز به تعهدات پیشین خود در قبال مشتریان پایبند نیست و تحویل خودروها با تأخیرهای چندماهه همراه است بار دیگر مجوز فروش جدید دریافت و اقدام به پیش‌فروش محصولات کرده است

این نهاد‌ها در برابر خلف‌وعده‌ها، موضعی قاطع و حمایتی از مصرف‌کننده اتخاذ کنند.
خلف وعده‌های سایپا، صرفاً یک مشکل تجاری نیست. این مسئله، تبعات روانی و اقتصادی مهمی برای جامعه دارد؛ از کاهش اعتماد عمومی به برندهای داخلی گرفته تا تضعیف سرمایه اجتماعی و حتی افزایش گرایش به خرید از بازارهای غیررسمی و واردات خودروهای کار کرده، همگی از تبعات این ناسامانی هستند. در شرایطی که حمایت از تولید داخل، یک اولویت راهبردی است، بدقولی شرکت‌های بزرگ خودروساز، این شمار را بی‌اثر می‌سازد.
مردم وقتی می‌بینند که وعده‌ها اجرایی نمی‌شود، طبیعی است که راهی غیر از بازار آزاد یا قاچاق انتخاب کنند. این گونه، زنجیره تولید ملی نیز دچار آسیب جدی می‌شود.
بی‌توجهی سایپا به تعهدات گذشته‌اش، نه تنها نشانه‌ای از ضعف مدیریت است بلکه زنگ خطر جدی برای اعتماد عمومی به صنعت خودروسازی کشور به شمار می‌رود؛ اعتمادی که سال‌ها زمان می‌برد تا دوباره با ساززی شود.
چنین شرایطی، ادامه پیش‌فروش محصولات بدون ساماندهی وضعیت گذشته، بی‌احترامی آشکار به حقوق مصرف‌کننده تلقی می‌شود. این بی‌توجهی، تنها پیامدش بی‌اعتمادی نیست، بلکه ثبات بازار خودرو را نیز به هم می‌ریزد.
یکی از نکات مبهم در ماجرای مجوز فروش جدید به سایپا، نقش نهادهای ناظر همچون وزارت صمت است. این وزارتخانه در حالی مجوز فروش مجدد را صادر کرده که سایپا هنوز برونده‌های باز بسیاری در حوزه تحویل دارد.
پرسش این است که آیا نظارت کافی و دقیقی بر تعهدات خودروسازان وجود دارد؟ پاسخ این پرسش، برای هزاران خریدار باتکلیف، معنایی فراتر از کلمات دارد.
اعتماد مردم به عملکرد نهادهای دولتی زمانی تقویت می‌شود

یادداشت‌های مهم

سیحان حافظی

«مقاومت اقتصادی» راه حل نجات غزه

در روزهایی که خاک غزه، سنگین از خون هزاران زن و کودک مظلوم است و رژیم اشغالگر قدس با حمایت بی‌دریغ امریکا و اروپا به کشتار و ویرانی ادامه می‌دهد، سخن از موضع‌گیری اخلاقی یا همدردی لفظی دیگر کافی نیست. آنچه امروز لازم است، اقدام عملی ملت‌های مسلمان در خط مقدم اقتصادی این نبرد تمدنی است.

در میانه جنایات، واقعیتی تلخ رخ‌نمایی می‌کند؛ رژیم‌صهیونیستی سال‌هاست به‌جای اشتغال مستقیم، با نفوذ اقتصادی و عادی‌سازی خزنده، در اعماق کشورهای اسلامی لانه کرده است. تنها در سال ۲۰۲۳، ۴۵ کشور اسلامی بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار تجارت مستقیم با این رژیم داشته‌اند.

در سال ۲۰۲۳، حجم تجارت کشورهای اسلامی با رژیم‌صهیونیستی از مرز ۱۰ میلیارد دلار فراتر رفت. ترکیه در صدر این همکاری‌های ننگین قرار دارد و سهمی حدود ۷۰درصدی از واردات و ۶۱درصدی از صادرات این رژیم را به خود اختصاص داده است.

افزون بر این، حدود ۴۲درصد نفت مورد نیاز رژیم‌صهیونیستی از کشورهای مسلمان، به ویژه آذربایجان و قزاقستان تأمین می‌شود، همچنین بخش عمده‌ای از گاز صادراتی این رژیم به کشورهای مسلمان همسایه، یعنی مصر و اردن صادر می‌شود.

این سطح از وابستگی اقتصادی، هرچند ممکن است منافع مقطعی و کوتاه‌مدت برخی حکومت‌ها را تأمین کند، اما در بلندمدت، به ابزاری خطرناک در دست رژیم‌صهیونیستی برای اعمال فشار سیاسی و تحمیل سلطه بر کشورهای اسلامی تبدیل خواهد شد.

تاریخ پررنج فلسطین گواهی روشن بر این مدعاست؛ صهیونیست‌ها پس از تثبیت پایه‌های اقتصادی خود در سرزمین‌های اشغالی، به نیت توسعه‌طلبانه و تجاوزکارانه صهیونیسم برای جهان اسلام پنهان نیست. طرح‌های خطرناکی مانند «لن نیل تا فرات» و «معامله قرن ترامپ» آشکارا در پی گسترش قلمرو این رژیم تا سراسر منطقه هستند. اظهارات صریح مقامات ارشد این رژیم، مانند اسمو تریج، لیبکین و گو کپور، در سال‌های اخیر که بر ضرورت تسلط بر کشورهای عربی تأکید کرده‌اند، تنها گوشه‌ای از این جاه‌طلبی‌های خطرناک را نشان می‌دهد.

متأسفانه، سکوت یا حتی همکاری آشکار برخی دولت‌های اسلامی، زمینه را برای تحقق هرچه بیشتر این توطئه‌ها فراهم ساخته است. در مقابل این تهدید جدی، تجربه جنبش‌های بین‌المللی مانند BDS» (تحریم، عدم سرمایه‌گذاری، تحریم) اثبات کرده است تحریم اقتصادی می‌تواند سلاحی مؤثر و کارآمد برای فشار بر رژیم‌صهیونیستی و مشروعیت‌زدایی از آن باشد.

اگرچه این جنبش‌ها عمدتاً در غرب فعال بوده‌اند، اما اکنون زمان آن فرا رسیده است که کانون اصلی این مبارزه به کشورهای اسلامی منتقل شود. تنها راه مؤثر و قاطع برای مقابله با این رژیم اشغالگر و توسعه‌طلب، قطع کامل و فوری تمامی روابط اقتصادی و سیاسی با آن است. این انزوا می‌تواند بنیای نظام اقتصادی و سیاسی رژیم را به شدت تضعیف و فلج کند. وظیفه تاریخی خطری بر دوش ملت‌های مسلمان است. واقعیت این است که بسیاری از دولت‌های اسلامی، خلاف خواست و اراده ملت‌های خود، به گسترش روابط با رژیم اشغالگر ادامه می‌دهند. در چنین شرایطی، مردم مسلمان باید نقش محوری و پیشرو را ایفا کنند.

از طریق نخبگان آگاه، رسانه‌های متحد و فعالان مردمی، باید فشار عمومی قاطع و مستمری بر دولتمردان برای قطع هرگونه رابطه، از سطح رسمی تا تجاری اعمال شود.

این اقدامات باید هوشمندانه، هدفمند و متمرکز بر گلوگاه‌های حیاتی تجاری و اقتصادی رژیم‌صهیونیستی باشد.

ضرورت این اقدام فوری و همگانی بر چند پایه استوار است:

۱) حمایت عملی و مؤثر از مردم مظلوم غزه و تلاش برای توقف نسل‌کشی وحشتناکی که تاکنون ده‌ها هزار شهید و مجروح بر جای گذاشته است.

۲) خشی‌سازی طرح‌های توسعه‌طلبانه صهیونیسم، مانند رؤیای خطرناک «لن نیل تا فرات» قبل از آنکه به واقعیتی غیرقابل بازگشت تبدیل شوند.

۳) گسترش زنجیرهای وابستگی اقتصادی و سیاسی که کشورهای اسلامی را در دام رژیم اشغالگر اسیر کرده است.

۴) مقابله با نظم نوین خاورمیانه‌ای که از سوی امریکا طراحی شده و محوریت آن بر پایه رژیم‌صهیونیستی استوار است.

پاداش این مقاومت اقتصادی هماهنگ و قاطع، چیزی جز تضعیف شدید و نهایتاً فروپاشی پروژه صهیونیستی نخواهد بود.

تحریم‌های گسترده و واقعی ملت‌های مسلمان می‌تواند بحران‌های عمیق اقتصادی، اجتماعی و امنیتی را در این رژیم تشدید کند.

این امر هزینه‌های سرسام‌آور حفظ این رژیم را برای حامیان غربی آن، به ویژه آمریکا، به شدت افزایش خواهد داد.

مشروعیت ساختگی و رو به زوال رژیم در منطقه به کلی نابود خواهد شد و در نهایت، شرایط برای سقوط یا عقب‌نشینی اجتناب‌ناپذیر این ساختار نامشروع و اشغالگر فراهم خواهد آمد.

لحظه تاریخی حاضر، زمان جاکزینی همکاری اقتصادی ننگین با مقاومت اقتصادی آگاهانه و متحد امت اسلامی است.

جیش آرام سکه

بازار سکه یکم مرداد شاهد نوسانات قابل توجهی بود. سکه امامی با قیمت ۷۹۷میلیون و ۱۰۰هزارریال در صدر جدول قرار دارد و نسبت به ماه گذشته ۵درصد افزایش را تجربه کرده است. این رشد نشان از همر استایی قیمت سکه با افزایش بهای جهانی طلا و نیز انتظارات تورمی در بازار داخلی دارد.
حباب سکه امامی نیز به ۸۸میلیون و ۶۷۰هزارریال رسیده که نشان‌دهنده فاصله بالایی ارزش بازاری آن با ارزش ذاتی‌اش است.

سکه بهار آزادی با قیمت ۷۲۰میلیون و ۸۵۰هزارریال نیز رشد ماهانه ۴/۶۳درصدی را ثبت کرده، اما حباب آن تنها ۱۲میلیون و ۶۷۰هزارریال است که نشان‌دهنده اقبال کمتر بازار نسبت به این سکه در مقایسه با سکه امامی است. مسئله‌ای که می‌تواند به عوامل فنی مانند قابلیت تحویل و تقاضای بازار آزاد مربوط باشد.

در بازار سکه‌های خردتر، نیم‌سکه با قیمت ۴۲۷میلیون ریال و رشد ماهانه ۶/۷۵درصدی همچنان گزینه‌ای جذاب برای سرمایه‌گذاران خرد محسوب می‌شود. این در حالی است که قیمت آن در روز اخیر بدون تغییر باقی مانده است. ربع‌سکه و سکه گرمی نیز با قیمت‌های ۴۴۷میلیون ریال و ۴۸۰میلیون ریال، به ترتیب رشد‌های ماهانه ۷/۱۲و ۲/۰۶درصدی را تجربه کرده‌اند. حباب بالا در نیم‌سکه (۲۱/۹میلیون و ۹۰۰هزارریال) و ربع‌سکه (۶میلیون و ۹۷۰هزارریال) نشان از تقاضای بازار خرد بیشتر بر مبنای رفتار هیجانی و انتظارات تورمی است تا بر پایه ارزش ذاتی فلز.

در مجموع، روند صعودی قیمت‌ها در تمامی انواع سکه، همراستا با رشد اونس جهانی طلا و تورم انتظاری در کشور ایران، نشان از تداوم نگاه سرمایه‌ای به بازار سکه دارد. سرمایه‌گذاران باید در تحلیل خود به حباب‌های قیمتی و تفاوت سکه‌های قبل از ۱۳۸۶ نیز توجه ویژه‌ای داشته باشند.